

بررسی همایندهای اضافی و وصفی در زبان‌های روسی و فارسی به منظور تعیین میزان ضرورت آموزش آن‌ها محسن شجاعی^۱، بهرام محرابیان^۲

چکیده

در این مقاله پس از معرفی مختصر همایندها و اشاره به اهمیت این نوع ترکیب‌های ثابت در آموزش زبان‌های خارجی، به پیشینه بررسی آن‌ها در زبان‌های روسی و فارسی پرداخته می‌شود. سپس دسته‌بندی‌های مطرح همایندها بررسی شده و دسته‌بندی که در آن برپایه واژه اصلی از دیدگاه نحوی همایندها به دو گروه الف) همایندهای فعلی و ب) همایندهای نامی (وصفی و اضافی) تقسیم می‌شوند، مناسب برای آموزش زبان‌های خارجی دانسته شده است. پرسش اصلی پژوهش آن است که میزان همگونی همایندهای روسی و فارسی هم‌معنا تا چه اندازه بوده و ضرورت گنجاندن مبحث همایندها در آموزش زبان روسی برای دانشجویان ایرانی تا چه میزان است. بررسی برپایه پیکرهای شامل حدود ۴۰۰ همایند روسی انجام شده که ساخت آن‌ها وصفی (صفت + اسم) یا اضافی (اسم + اسم) است. ویژگی‌های ساختی (نحوی) و واژگانی - معنایی این همایندها به بحث گذارده شده و نشان داده می‌شود که از نظر ساختی و نیز از نظر واژگانی - معنایی همایندهای برابر در زبان‌های روسی و فارسی چه نسبتی با یکدیگر دارند. نتیجه کاربردی مقاله بیان ضرورت ایجاد ۳ توانش زیر است: ۱) توانش تشخیص همایندها (ترکیب‌های ثابت)، ۲) توانش درک همگون یا ناهمگون بودن همایند یافت‌شده با همایند معادل آن در فارسی، ۳) توانش تغییر ساخت همایند (اضافی به وصفی در ترجمه از فارسی به روسی و وصفی به اضافی در ترجمه از روسی به فارسی)، آنجا که این تغییر لازم است.

واژگان کلیدی: همایندهای روسی، همایندهای فارسی، همایندهای وصفی، همایندهای اضافی، آموزش زبان روسی به عنوان زبان خارجی.

دوره نوزدهم شماره ۲۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۱. استادیار گروه زبان روسی. دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال - ایران

(نویسنده مسئول) ایمیل: m_shojaee@iau-tnb.ac.ir

۲. کارشناس ارشد زبان روسی. دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال - ایران،

ایمیل: bm_mehrabian@yahoo.com

مقدمه

یادگیری زبان تنها به یادگیری دستور و واژگان محدود نمی‌شود. برای آن که بتوانیم به‌گونه‌ی استاندارد از زبان استفاده کنیم، نیازمند تسلط بر پدیده‌های دیگری در زبان هستیم. یکی از این پدیده‌ها همنشینی واژه‌ها با یکدیگر است و امکان و موقعیت ترکیب یک واژه با واژه‌های دیگر.

در دهه‌های گذشته توجه نسبت به مسئله همنشینی واژه‌ها و نقش آن در آموزش زبان‌های خارجی رو به افزایش داشته است؛ آثار پرشمار زبان‌شناسان و کارشناسان آموزش زبان در ایران و روسیه شاهد این مدعا است. بدیهی است این بحث شامل ترکیب‌های آزاد، ترکیب‌های ثابت و حتی اصطلاحات نیز می‌شود. اما «همایندها»^۱ با هر سه مقوله نامبرده متفاوت‌اند. همایندها در توصیف کلی، ترکیب‌های دو و گاه چندواژه‌ای هستند که معنای کنایی یا استعاری نداشته، حداقل یکی از واژه‌های آن‌ها معنای بیرون از ترکیب خود را حفظ نموده است و برخلاف اصطلاحات که بیشتر در زبان گفتاری روزمره و سبک غیررسمی به‌کار می‌روند، در همه سبک‌های زبان کاربرد دارند.

همنشینی واژه‌ها و ساخت همایندها در هر زبان برپایه سنت و فرهنگ زبانی انجام می‌پذیرد. از این رو هرچند همایندهای برابر و هم‌معنا در زبان‌های گوناگون دیده می‌شوند، اما فراوانی ناهمگونی واژگانی در همایندهای هم‌معنا در زبان‌های مختلف توجه زبان‌شناسان و کارشناسان آموزش زبان‌های خارجی را بسیار به خود جلب نموده است. برای نمونه هرچند همایندهایی مانند аварийная посадка (فروود اضطراری)، школа жизни (مکتب زندگی) در زبان‌های روسی و فارسی وجود دارند که همگونی واژگانی کامل در میانشان برقرار است، اما در مقابل شمار فراوانی همایندهای ناهمگون در این دو زبان دیده می‌شوند که در آموزش کاربردی و ارتباطی زبان روسی از اهمیت فراوانی برخوردارند، مانند: аварийная служба که معنای واژه به‌واژه آن *خدمات حوادث است، اما در فارسی به آن امداد حوادث می‌گوئیم، یا шляпка гвоздя که در ترجمه تحت‌اللفظی *کلاه میخ ترجمه می‌شود، اما در فارسی به آن سر میخ می‌گوئیم.

هنگام کاربرد زبان مادری به‌صورت ناآگاهانه و از روی شتم زبانی از همایندها استفاده می‌کنیم، حال آن که در زبان خارجی برای ترکیب واژه‌ها، به‌گونه‌ای که در زبان

۱. نویسندگان اصطلاح «همایندها» را بر اصطلاح «باهم‌آیی» ترجیح داده‌اند، زیرا به زعم ما «باهم‌آیی» یک اسم مصدر است که ناظر بر روند شکل‌گیری ترکیب‌هایی به نام «همایندها» است. به سخن دیگر، «همایندها» برآیند و نتیجه روند «باهم‌آیی» است.

مورد نظر پذیرفتنی باشد، با دشواری‌های زیادی روبه‌رو هستیم. این دشواری‌ها هم در زبان معمول روزمره پدیدار می‌شوند و هم در ترجمه متون ادبی، علمی و تخصصی. در مورد نخست، یعنی هنگام کاربرد زبان مادری، ما سریعاً متوجه اشتباه در کاربرد یک ترکیب شده و آن را اصلاح می‌کنیم (بیالک ۲۲۳). اما در زمان استفاده از زبان خارجی اشتباه در ساخت و به‌کار بردن یک ترکیب، ارتباط را مختل نموده و یا به درک نادرست گفته/نوشته‌ی ما از سوی اهل زبان می‌انجامد. اهمیت پرداختن به همایندها و لزوم گنجاندن آن‌ها در برنامه‌ی درسی آموزش زبان‌های خارجی از همین واقعیت ریشه می‌گیرد.

با این حال نگاهی به کتاب‌ها و منابع آموزش زبان روسی که در ایران از آن‌ها استفاده می‌شود، نشان می‌دهد که این مقوله تا اندازه‌ی فراوانی در آن‌ها مورد غفلت قرار گرفته است.

در مقاله که برپایه‌ی پیکرهای حاوی حدود ۴۰۰ همایند روسی تنظیم شده، به تحلیل پدیده‌ی همایند می‌پردازیم. منابع ما برای گردآوری همایندها، جدا از جستجوی تصادفی در متن‌ها، فیلم‌ها و گفتوگوهای پراکنده با اهل زبان، منابع زیر بوده‌اند: فرهنگ ترکیب‌پذیری واژه‌ها در زبان روسی (دنیسوف، مارکوفکین)؛ فرهنگ ترکیب‌های شدت‌بخش در زبان‌های روسی و انگلیسی (اوبین).

پیشینه‌ی تحقیق

ترکیب‌های خاص در زبان روسی از سده ۱۹ میلادی توجه زبان‌شناسان روس را به خود جلب کرده بود (آروتونووا ۸۸). فیلیپ فارتوناتوف، زبان‌شناس بزرگ روس، در طبقه‌بندی «واژه‌های غیرساده، یا مرکب» در تقابل با واژه‌های پیوسته مانند, зачем, почему, неприятель «عبارت‌های پیوسته» را متمایز نمود. منظور وی ترکیب‌هایی مانند железная дорога = راه آهن، великий пост = روز بزرگ، بود (هریس ۱۷۴-۱۷۳). از آن پس اگر بخواهیم پیشینه‌ی توجه به همایندها را در زبان‌شناسی روسیه پی بگیریم، می‌بایست به مبحثی بپردازیم که در روسیه آن را «ترکیب‌های ثابت» می‌نامند. در این مبحث همه‌ی انواع ترکیب‌های ثابت، از جمله اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و ترکیب‌های کنایه بررسی می‌شوند (تلیا ۵۵۹). مهمترین نشانه‌ی یک ترکیب ثابت تغییر معنای کل ساخت واژگانی-دستوری یا یکی از عناصر ترکیب است. تقسیم‌بندی ترکیب‌های ثابت در روسیه با نام ویکتور ویناگرادوف در پیوند است که همچنان مورد پذیرش زبان‌شناسان روسیه

قرار دارد. بیشتر زبان‌شناسان روسیه ضمن پذیرش تقسیم‌بندی ترکیب‌های ثابت به سه گروه که ویناگرادوف پیشنهاد کرده بود و با افزودن یک گروه به آن، ترکیب‌های ثابت را به چهار گروه تقسیم می‌کنند:

۱. ترکیب‌های ثابت جوش‌خورده که شامل ترکیباتی است که انگیزش یا توجیه معنایی خود را از دست داده‌اند، مانند مگس پراندن (бить баклуши):

۲. ترکیب‌های ثابت یکپارچه، یعنی ترکیباتی که صورت شفاف درونی خود را حفظ کرده‌اند، مانند از کاه کوه ساختن (делать из мухи слона):

ترکیب‌های ثابت جمله‌ای یا عبارتی، مانند صد دوست کم است و یک دشمن زیاد (He) (имей сто рублей, а имей сто друзей):

ترکیب‌های ثابت همنشین، مانند شخصیت محکم (твёрдый характер) (همانجا) که نزدیکترین تعریف به تعریف همایندها را دربر دارد.

در روسیه برای اولین بار در چاپ نخست فرهنگ اصطلاحات زبانشناختی آگنا آخمانووا اصطلاح «همایندها» رسماً به‌کار رفته و توصیف مختصری هم از آن داده می‌شود (آخمانووا ۱۹۹). با این حال نخستین کسی که در دهه‌های اخیر در حوزه زبان روسی بحث همایندها را مطرح ساخت، یلنا باریسوا است که با کتاب کوچک، اما بسیار پرمحتوای خود (نک باریسوا) زبان‌شناسان و کارشناسان آموزش زبان را متوجه این پدیده زبانی ساخت. از آن پس در بیشتر نوشته‌های مربوط به همایندها در زبان روسی کتاب باریسوا به‌عنوان یکی از منابع اصلی استفاده شده است. وی در این کتاب همایندها را ترکیب‌های واژگانی «غیرآزاد» یا «ثابت» می‌نامد که ویژگی اصطلاحی ندارند.

در زبان فارسی نخستین بار زنده‌یاد دکتر محمدرضا باطنی از همایندها با عنوان همنشینی یاد کرده است. وی می‌نویسد: «سازگاری افراد طبقات را با یکدیگر در روی زنجیر گفتار همنشینی (collocation) می‌گوئیم» (باطنی توصیف ۵۷). باطنی مثال‌های روشنی برای نشان دادن همایندهای مثبت (هنجارمند) و همایندهای منفی (ناهنجارمند) می‌آورد: جیغ بلند، جیغ کوتاه، جیغ دلخراش را نمونه همایندهای مثبت و جیغ غلیظ، جیغ دور و جیغ پهن را نمونه همایندهای منفی می‌شمارد (همانجا ۵۸).

دکتر باطنی پس از چند دهه نخستین فرهنگ انگلیسی به فارسی همایندها را منتشر نمود (نک باطنی فرهنگ). در مقدمه این فرهنگ همایندها این‌گونه تعریف شده‌اند: «همایندها به دو یا چند واژه می‌گویند که معمولاً همیشه با هم به‌کار می‌روند» (باطنی فرهنگ ۷).

وی سپس با آوردن مثال‌هایی پرهیز از ترجمهٔ لفظ به لفظ هماینها را تأکید می‌کند. این فرهنگ همچنین نخستین نمونهٔ تلاش برای استفاده از هماینها در آموزش زبان‌های خارجی بود. زیرا تا پیش از آن در ایران هماینها با نام‌های گوناگون تنها از دید نظری بررسی شده بودند.

در سال ۱۳۶۹ نیز حسین ملانظر در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود به نقش هماینها در ترجمه پرداخت (ملانظر).

علی خزاعی‌فر، سردبیر نشریهٔ فصلنامهٔ مترجم، تلاش نمود تا خوانندگان خود را با مفهوم هماینها که وی آن را در مقالهٔ خود «میل ترکیبی کلمات» نامیده بود، آشنا سازد. وی در تلاش برای بازشکافتن این مفهوم نمونهٔ آسمان ضخیم را می‌آورد که نه در فارسی (و نه در روسی (*толстое небо)) پذیرفتنی نیست. خزاعی‌فر در ادامه می‌نویسد که کاربرد این‌گونه ترکیب‌ها هنجارهای زبان فارسی را نقض می‌کند و «ارتباط زبانی بین افراد، به خصوص بین نسل‌ها را مخدوش می‌کند» (خزاعی‌فر ۲۲).

پناهی در مقالهٔ مبسوط خود هماینها را یک مفهوم جهانشمول تلقی می‌کند که خصلت ساخت‌واژی-معنایی دارند (پناهی ۲۰۶).

اما در نخستین مقایسهٔ همایندهای فارسی و روسی که ولیپور و رهبری منتشر نمودند، تنها به همایندهای فعلی یا اسمی-فعلی پرداخته شده است. (ولیپور، رهبری ۱۹۵). ولیپور و رهبری پیشینهٔ مفیدی از بررسی هماینها در زبان روسی ارائه کرده‌اند، اما مطابق آنچه در بالا آمد، در این نکته نمی‌توان با آن‌ها موافق بود که پیدایش اصطلاح «همایند» (КОЛЛОКАЦИЯ) در زبان روسی را به ویکتور ویناگرادوف در سال ۱۹۷۲ منسوب می‌کنند (همانجا ۱۹۰). این دو در ادامه نشان داده‌اند که در زمینهٔ مقایسهٔ همایندهای روسی با همایندهای فارسی «به‌منظور بهره‌برداری در امر تدریس زبان روسی به‌منزلهٔ زبان خارجی تاکنون بررسی چندانی نشده» (همانجا ۱۹۰).

روش‌شناسی

چارچوب این پژوهش انگاره‌های نحوی و معنایی-واژگانی است. از این رو ساخت‌های نحوی به‌کاررفته در همایندهای روسی و برابره‌های فارسی آن‌ها را یافته و نشان خواهیم داد. پس از آن هم برپایهٔ ملاک معنایی-واژگانی تقسیم‌بندی روشنی از این هماینها ارائه خواهد شد که در آموزش هماینها به‌کار خواهد آمد.

همان‌گونه که گفته شد، در زبان روسی نخستین بار آگما آخمانووا از اصطلاح «همایند» (коллокация) استفاده کرد و آن را بدین گونه تعریف نمود: «همنشینی واژه‌ها به‌صورتی که ترکیب واژگانی ثابتی را به‌وجود آورده و در زبان برای بیان معانی گوناگون به‌کار می‌رود» (آخمانووا ۱۹۹۱). این تعریف بسیاری از ویژگی‌های همایندها را در بر ندارد، از جمله کنایی نبودن همایندها و کاربردشان در همهٔ سبک‌های زبان. همو در کتاب بعدی خود همایند را «ویژگی» واژه‌ها و حتی واحدهای زبانی بزرگ‌تر در ترکیب با یکدیگر معرفی نمود (آخمانووا، درازدائوسکاس، درازدائوسکنه ۱۱۷). اما باز در نامیدن «نتیجه» این ترکیب، زبان‌شناسان روس از اصطلاحات آشنای خود، همچون «ترکیب واژگانی ثابت»، «ترکیب ثابت»، «کلیشه» و مانند این‌ها استفاده می‌کردند.

با این حال در ادامه و با انجام تحلیل‌های گسترده از سوی زبان‌شناسان دیگری همچون سوتلانا تر-میناسووا به‌تدریج جایگاه و معنای همایند در زبان مشخص‌تر شد (ولاواتسکایا فرهنگ ۱۱).

ایگور میلچوک در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۹ تحلیلی از کل ترکیبات واژگانی انجام داد (میلچوک) و سپس با همکاری لیدیا ایوردانسکایا در تک‌نگارهٔ خود (ایوردانسکایا، میلچوک) جایگاه همایندها را در این ترکیبات مشخص ساخت. به‌منظور ارائهٔ دیداری این تحلیل و نشان دادن جایگاه همایندها در ترکیبات زبان، ما نمودار زیر را برپایهٔ تقسیم‌بندی دو زبان‌شناس یادشده رسم نمودیم:



عَلت «نیمه‌کامل» نامیده شدنِ همایندها را از تعریف این پدیدهٔ زبانی در نزد پلنا باریسووا درمی‌یابیم که مطابق آن همایندها ترکیب‌های واژگانی غیر آزاد و غیراصطلاحی هستند که غالباً دارای یک جزء آزاد و یک جزء غیر آزاداند. جزء یا عنصر آزاد در همایند معنای خود را حفظ می‌کند، اما معنای عنصر غیر آزاد در همایند با معنای همان عنصر در ترکیب‌های آزاد متفاوت است (باریسووا ۱۴۱). مثلاً در همایندِ روسی бурная радость (نشادی پرشور)، اسم (радость) همان عنصر آزاد است که معنای خود را حفظ کرده است، اما صفت бурная تنها در این ترکیب معنای «پرشور» را می‌رساند؛ همین صفت در ترکیب бурная река معنای «خروشان» می‌دهد (رودخانهٔ خروشان)، در ترکیب бурный рост معنای دیگری می‌دهد (رشد سریع | سرسام آور). اما در اصطلاحات، همهٔ عناصر اصطلاح معنای خود را از دست می‌دهند و معنای خاصی را می‌رسانند که آن را معنای مشروط به ترکیب می‌نامیم، مانند вставлять палки в колёса (چوب لای چرخ گذاشتن). از همین رو است که در نمودار بالا، اصطلاحات، «ترکیب‌های ثابت کامل» نامیده شده‌اند و همایندها «ترکیب‌های ثابت نیمه‌کامل».

با توجه به آنچه گفته شد و با در نظر داشتن ویژگی‌های کلی همایندها، از جمله:

- پایداری ترکیب،
- حفظ معنای واژگانی حداقل یکی از اجزاء ترکیب،
- غیراصطلاحی بودن یا دارا بودن اندکی از ویژگی اصطلاحات،
- ترتیب استوار اجزاء ترکیب (نبودن امکان جابه‌جایی در واژه‌های ترکیب)،
- کاربرد در همه‌ی سبک‌های زبان،

ما تعریفی را که بارانوف و دابراوولسکی ارائه کرده‌اند، تعریف جامع‌تری می‌دانیم: «همایندها ترکیب‌های ثابت با ویژگی اصطلاحی اندک هستند که عمدتاً ساخت ترکیب واژگانی داشته و در آن‌ها عنصر معنایی اصلی (پایه) در معنای مستقیم خود به کار می‌رود، اما ترکیب با عنصر کمکی (همایندساز) هرچند می‌تواند از میان واژه‌هایی با معانی مختلف صورت پذیرد، با این حال انتخاب یک واژهٔ خاص در یک همایند را کاربرد زبانی مشخص می‌سازد» (بارانوف، دابراوولسکی ۷۳). برای نشان دادن مفهوم عنصر پایه و عنصر وابسته یا کمکی در یک همایند می‌توان از این ترکیب کمک گرفت: автоматический карандаш = مداد نوکی که در آن واژه‌ی карандаш (مداد) که در معنای مستقیم خود

به کار رفته، عنصر اصلی و واژهٔ автоматический (اتوماتیک، خودکار) که تنها در این ترکیب به «نوکی» ترجمه می‌شود، عنصر وابسته است.

طبقه‌بندی‌های هماینها

تاکنون طبقه‌بندی‌های گوناگونی از هماینها به دست داده شده است که از دیدگاه‌های مختلفی انجام شده‌اند. یکی از آن‌ها طبقه‌بندی رده‌شناختی است که برپایهٔ آن هماینها به گروه‌های زیر تقسیم می‌شوند:

۱. همایندهای همگانی استاندارد؛
۲. همایندهای قومی-فرهنگی؛
۳. همایندهای تخصصی؛
۴. همایندهای تصادفی؛
۵. همایندهای رنگ‌ها (ولاواتسکایا رده‌شناسی ۴۴۰-۴۴۱).

همایندهای همگانی استاندارد آن‌هایی هستند که در زبان روزمره توسط همهٔ اهل زبان به کار می‌روند، مانند همان مداد نوکی (автоматический карандаш) یا سرخوردگی رأی‌دهندگان (апатия избирателей).

همایندهای قومی-فرهنگی از واژه‌های مختص یک کشور و یک محیط خاص ساخته شده‌اند، مانند کارت دانشجویی که در روسی برای این مفهوم به جای واژهٔ «کارت» از واژهٔ «بلیط» استفاده می‌شود: студенческий билет و یا مرکز کاریابی که در معادل روسی آن به جای «کاریابی» از واژهٔ «اشتغال» استفاده شده است: центр занятости. همایندهای تخصصی ترکیب‌های ثابتی هستند که در یک رشته یا زمینهٔ تخصصی به کار می‌روند، مانند: دستگاه عصبی (нервная система) یا ارکستر مجلسی (камерный оркестр).

از جملهٔ همایندهای تصادفی می‌توان همایند تاریکی خشم‌آلود (возмущённый мрак) یا دست‌آوردهای جوانی (трофеи молодости) را مثال آورد که ناظر بر ترکیب‌های نه‌چندان رایج، اما پذیرفتهٔ اهل زبان هستند و بیشتر در متون ادبی ساخته می‌شوند (کارشونووا).

همایندهای رنگ‌ها، همان‌گونه که از نامشان پیداست، آن‌هایی هستند که یک جزئشان یکی از رنگ‌ها است، مانند: گاو پیشانی سفید که در روسی به صورت «کلاغ سفید» (белая ворона) به کار می‌رود، و یا نشریات زرد (жёлтая пресса).

تقسیم‌بندی بالا با وجود اطلاعات گسترده‌ای که در اختیار پژوهنده می‌گذارد و می‌تواند به‌جای خود در پژوهش‌های مقایسه‌ای به‌کار رود، ساخت دستوری همایندها را روشن نمی‌سازد. از این رو در اینجا که هدف ما بررسی گونه‌های ساختاری همایندها است، به‌کار نمی‌آید.

برپایهٔ یک تقسیم‌بندی دیگر که بیشتر در متون مربوط به مطالعات ترجمه پیشنهاد می‌شود، همایندها به سه گروه اصلی زیر تقسیم می‌شوند: اسمی- فعلی، وصفی، قیدی (بیالک ۲۲۵). نمونه‌های این سه گروه به‌قرار زیرند:

(الف) اسمی- فعلی: بیان کردن فکر (выражать мысль)، شایستهٔ توجه بودن (заслуживать внимания).

(ب) وصفی که به دو گروه (۱) صفت + اسم و (۲) اسم + اسم تقسیم شده‌اند، مانند: نفوذ قوی (сильное влияние)، تفاوت آشکار (заметное различие)، درستی قضاوت (соблюдение условий)، رعایت شرایط (правильность суждения).

(پ) قیدی: سختگیرانه تعیین کردن (строго определять)، به‌خوبی بررسی کردن (хорошо изучать).

این تقسیم‌بندی نیز با توجه به یکی دانستن ترکیب‌های وصفی و قیدی (که با توجه به ماهیت این‌گونه ترکیب‌ها در زبان روسی انجام گرفته است) نمی‌تواند در کار تقسیم‌بندی همایندهای فارسی و یافتن برابری‌های آن‌ها در زبان روسی مفید باشد. زیرا ترکیب‌های وصفی و قیدی در فارسی ماهیت و رفتار متفاوتی دارند.

در همایندهای گردآوردهٔ ما شمار فراوانی همایند دیده می‌شود که از دو اسم ساخته شده‌اند، مانند: сбор налогов (دریافت مالیات)، спокойствие духа (اطمینان خاطر)، осколок снаряда (ترکش توپ). در دستورهای زبان روسی این دسته از ترکیب‌ها «ترکیب‌های نامی (اسمی و صفتی)» نامیده شده‌اند (برای نمونه، نک والگینا، روزنتال، فامینا ۲۹۷). از سوی دیگر تقسیم‌بندی جدیدتری پیشنهاد شده که در آن برپایهٔ واژهٔ اصلی از دیدگاه نحوی همایندها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

(الف) همایندهای فعلی (که عنصر اصلی در آن‌ها فعل است)، مانند: оказывать влияние = تأثیر گذاردن، внести изменения = تغییراتی انجام دادن.

(ب) همایندهای نامی (که عنصر اصلی در آن‌ها اسم یا صفت است)، مانند: высокая температура = تب زیاد | بالا، рост влияния (کارتاشووا) = افزایش نفوذ (کارتاشووا).

از این رو ما نیز همایندهای پیکره خود را که عنصر فعلی در آنها وجود ندارد، به دو گروه ساختاری زیر تقسیم کردیم:

۱. ترکیب‌های اضافی با فرمول: اسم + اسم
۲. ترکیب‌های وصفی با فرمول: اسم + صفت (در فارسی) و صفت + اسم (در روسی).

یافته‌ها و تحلیل و تجزیه

۱. تحلیل نحوی:

در صحبت از زبان‌های روسی و فارسی می‌توان این نکته را تأیید کرد که در هر دو زبان برای نامیدن دقیق‌تر پدیده‌ها و موقعیت‌ها همایندهایی به کار می‌روند که کاربرد زبانی آنها را رایج ساخته است. ترکیب‌های ثابت حتی گاه تنها ابزار بیان برخی پدیده‌ها و واقعیات هستند. به عنوان نمونه، برای بیان توان روحی انسان و تلاش او برای به انجام رساندن چیزی در هر دو زبان همایند همگونی به کار می‌رود: اراده آهنین = железная воля.

همایندها به گونه یکسانی در همه سبک‌های زبان‌های روسی و فارسی رواج دارند: در سبک گفتاری، سبک اجتماعی و رسانه‌ای، سبک علمی و همچنین در سبک ادبی (شجاعت ترجمه همایندها).

از دیدگاه ساختاری و برپایه پیکره پژوهش ما می‌توان گفت که همایندهای بدون حرف اضافه در زبان‌های روسی و فارسی برپایه یکی از ساخت‌های زیر ساخته می‌شوند:

فعل + اسم: سؤال کردن = задавать вопрос

قید + فعل: فوق‌العاده محترم داشتن = безгранично уважать

اسم + صفت: افراد حقیقی = частные лица

اسم + اسم: طرح مسئله = постановка вопроса

با توجه به مطالب پیش‌گفته ما تنها به دو ساخت «اسم + صفت» و «اسم + اسم» می‌پردازیم و در زیر این دو گونه از همایندها را تحلیل می‌کنیم.

همایندهای روسی گردآوری شده نخست با توجه به دو ساختی که بالاتر ذکر شد، به دو گروه «همایندهای وصفی» و «همایندهای اضافی» تقسیم شدند. هر یک از دو گروه با برابرنهادهای فارسی در دو جدول جداگانه گنجانده شدند که در اینجا نمونه‌های مختصر جدول‌های اصلی آمده‌اند:

Русские коллокации	همایندهای فارسی
бѣглый взгляд	نظر اجمالی
бытовой газ	گاز خانگی
второе дыхáние	نفس تازه
барабáнная перепóнка	پرده گوش
грудной карма́н	جیب بغل
домáшнее воспитáние	تربیت خانوادگی
жилая́ ко́мната	اتاق نشیمن
закры́тое голосо́вание	رای‌گیری غیرعلنی
зѣмная резѣина	لاستیک یخ‌شکن
кре́пкий чай	چای پررنگ
малолитра́жный автомоби́ль	اتومبیل کم‌مصرف
момента́льный снѣмок	عکس فوری
несча́стная любóвь	عشق نافرجام
óстрый ум	هوش سرشار
пáлочная дисципли́на	انضباط آمرانه
родно́й язы́к	زبان مادری
сумасше́дший день	روز وحشتناک
то́лая кишкá	روده بزرگ

جدول شماره ۱: گزیده‌های از همایندهای وصفی روسی

Русские коллокации	همایندهای فارسی
борóдка ключá	دندانه کلید
диск луны́	قرص ماه
душá кулина́рии	ذوق آشپزی

зерно миндаля	مغز بادام
история болезни	سابقه بیماری
концентрация людей	تراکم جمعیت
обеспечение баланса	ایجاد توازن
свобода собраний	آزادی اجتماعات
яблоко раздора	تخم اختلاف
язычок весов	شاهین ترازو

جدول شماره ۲: گزیده‌های از همایندهای اضافی روسی

شمار دقیق همایندهای وصفی روسی در پیکره ما ۲۷۲ و همایندهای اضافی روسی ۵۶ همایند بوده است. از این تفاوت بزرگ کمی میان این دو جدول می‌توان به نتیجه زیر رسید:

نتیجه (۱): کاربرد ساخت وصفی (صفت + اسم) در همایندهای روسی تا اندازه زیادی بیشتر از ساخت اضافی (اسم + اسم) است. این را نیز باید بیفزائیم که در گردآوری هماینها ما خود را به گردآوری همایندهای متعلق به یک ساخت خاص محدود نکرده بودیم.

دو جدول بعدی برپایه همایندهای فارسی و برابر نهاد روسی آن‌ها تنظیم شده‌اند:

Русские коллокации	همایندهای فارسی
пульс стройки	آهنگ ساخت و ساز
ножницы цен	اختلاف قیمت‌ها
сбор налогов	اخذ مالیات
обеспечение безопасности	استقرار/برقراری امنیت
спокойствие духа	اطمینان خاطر
обслуживание долга	بازپرداخت بدهی
страхование жизни	بیمه عمر

оско́лок снаря́да	ترکش توپ
объедине́ние уси́лий	تشریک مساعی
су́ть де́ла	جان کلام
па́льма пе́рвенства	حق تقدم
оско́лок сте́кла	خرده شیشه
прóблеск наде́жды	روزنهٔ امید
звезда́ экра́на	ستارهٔ سینما
склон го́ры	سینهٔ کوه
сигна́л подьё́ма	شیپور بیدارباش
постано́вка вопро́са	طرح مسئله
пе́риод слу́чки	فصل جفت‌گیری
переса́дка во́лос	کاشت مو
сто́л перегово́ров	میز مذاکره

جدول شماره‌ی ۳: گزیده‌های از همایندهای اضافی فارسی

Русские коллокации	همایندهای فارسی
заве́тная мечта	آرزوی قلبی
экзаменаціо́нные рабо́ты	اوراق امتحانی
капита́льный ремо́нт	تعمیر اساسی
посто́янный то́к	جریان مستقیم [برق]
закры́тое мо́ре	دریای بسته
закры́тое голосо́вание	رای‌گیری غیرعلنی
академи́ческий час	ساعت درسی
сухо́е вино́	شراب تلخ
безотве́тная любо́вь	عشق یک‌طرفه

творческий отпуск	فرصت مطالعاتی
комнатные цветы	گل‌های آپارتمانی
часовой пояс	منطقه زمانی

جدول شماره ۴: گزیده‌های از همایندهای وصفی فارسی

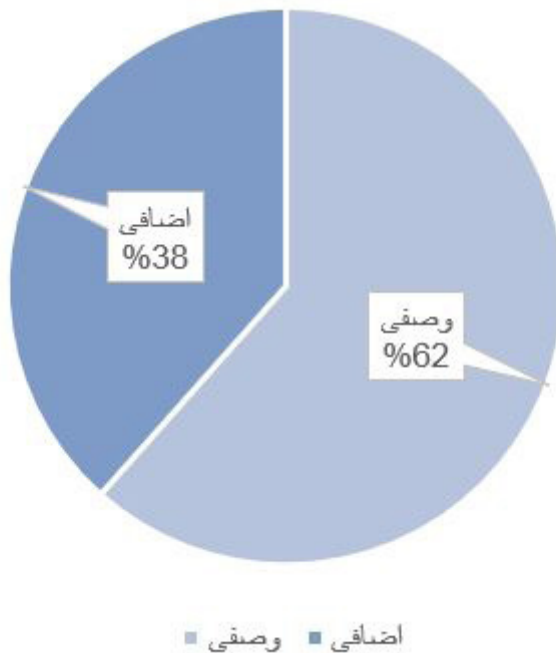
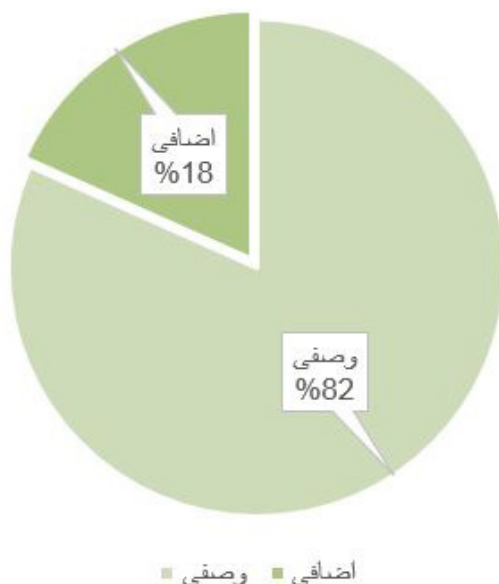
شمار دقیق همایندهای وصفی فارسی در پیکره ما ۲۴۲ و همایندهای اضافی فارسی ۱۵۱ بوده است.

در این دو گروه اخیر (همایندهای وصفی و اضافی فارسی) ما پدیده وارونه‌ای را مشاهده می‌کنیم: شمار همایندهای اضافی بسیار بیشتر از شمار همایندهای وصفی است. اینجا نیز می‌توان به نتیجه زیر رسید:

نتیجه (۲): برای مفاهیمی که در زبان روسی با همایندهای وصفی بیان می‌شوند، در زبان فارسی در اکثریت بسیار بزرگ موارد از همایندهای دارای ساخت اضافی استفاده می‌شود.

بر پایه دو نتیجه بالا نیز نتیجه مشترک زیر منطقی به نظر می‌رسد:
نتیجه (۳): از دید کمی همایندهای وصفی در زبان روسی بیشتر از همایندهای وصفی فارسی هستند. این پدیده پیش از این نیز در برخی پژوهش‌های دیگر نشان داده شده است (برای نمونه، نک شجاعی درباره ویژگی‌ها؛ شجاعی آموزش ترجمه).
نتیجه‌گیری‌های بالا را در نمودارهای زیر بهتر می‌توان نشان داد:

نمودار ۱: کل همایندهای روسی (تعداد ۳۹۳)



نمودار ۲: کل همایندهای فارسی (تعداد ۳۹۳)

البته مواردی که نقض نتیجه‌گیری بالا باشند نیز مشاهده شده است، هرچند به تعداد بسیار کم و محدود، مانند: اثر هنری که یک همایند فارسی با ساخت وصفی است. اما برابرها در آن در زبان روسی یک همایند با ساخت اضافی است: произведение искусства. اینجا برخلاف اکثریت موارد دیگر یک مفهوم در زبان روسی با ساخت اضافی بیان شده و همان مفهوم با معادل همان واژه‌ها در زبان فارسی با ساخت وصفی بیان شده است. این نکته نیز شایان توجه است که هنگام ترجمه، هیچ‌یک از این نسبت‌ها نقض نمی‌شود: بسیاری از همایندهای روسی که دارای ساخت وصفی (صفت + اسم) هستند، در ترجمه به همایندهای فارسی با ساخت اضافی (اسم + اسم) ترجمه می‌شوند. از سوی دیگر هنگام ترجمه همایندهای فارسی که دارای ساخت اضافی هستند، متوجه می‌شویم که همایند معادل آن‌ها در زبان روسی ساخت وصفی خواهد داشت. مانند همایند روسی автомобильная промышленность که ساخت وصفی (صفت + اسم) دارد، اما در ترجمه به صنایع خودروسازی ترجمه می‌شود که صراحتاً ساخت اضافی (اسم + اسم) دارد. اما همایند روسی выражение лица که ساخت اضافی دارد، در فارسی نیز به حالت چهره ترجمه می‌شود که این یک نیز با ساخت اضافی شکل گرفته است.

۲. تحلیل معنایی-واژگانی:

ساخت واژگانی هر ترکیب ثابت و از جمله هماینها مستقیماً با معنای ترکیب مرتبط است. در مسئله ماهیت معنایی ترکیب‌های ثابت در میان زبان‌شناسان روس سه دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه اول مهم‌ترین ملاک را دگرگونی معنایی کامل عناصر موجود در ترکیب می‌داند. زبان‌شناسانی همچون ولاس ژوکوف (ارتباط واحد ترکیب ثابت؛ درباره عدم انطباق اجزاء)، آکساندر مالاتکوف (مالاتکوف ۱۴) از طرفداران این دیدگاه هستند. ما اگر این دیدگاه را بپذیریم، آنگاه بخش بزرگی از ترکیب‌های واژگانی که واژه‌های موجود در آن‌ها دگرگونی معنایی کامل نداشته‌اند، خارج از این تعریف قرار خواهند گرفت و روشن نخواهد بود که در کجا باید به بررسی آن‌ها پرداخت.

در دیدگاه دوم ترکیب‌های ثابت شامل آن دسته از ترکیب‌های واژگانی نیز می‌شوند که در آن‌ها دست کم یکی از واژه‌ها معنای واژگانی خود را حفظ می‌کند (چرنیشیووا ۲۹، ۳۸؛ کونین ۳۳۸؛ ایوانیکووا ۸۰).

طرفداران دیدگاه سوّم در کنار دو گروه معنایی پیشگفته ترکیب‌هایی را نیز که ویژگی اصطلاحی و کنایی ندارند و در آن‌ها همهٔ واژه‌ها معنای اصلی خود را حفظ کرده‌اند، در شمار ترکیب‌های ثابت می‌آورند. ولادیمیر آرخانگلسکی (۹۰)، نیکالای شانسکی (۲۰۳) از این دست‌هاند. آن‌ها معتقدند که ترکیب ثابت الزاماً نباید با دگرگونی معنایی عناصر ترکیب همراه باشد و از این رو ترکیب‌های واژگانی بسیار متنوعی را ترکیب‌های ثابت می‌شمارند. مطابق این دیدگاه آنچه ثبات این ترکیب‌ها را نشان می‌دهد، ساختار واژگانی آن‌ها است که یکپارچگی معنایی آن‌ها را نشان می‌دهد، همچنین عدم امکان جایگزین کردن واژه‌های ترکیب با مترادف‌های آن‌ها و محدودیت تغییر در ساختار صرفی آن‌ها است که این ویژگی را بدان‌ها می‌بخشد.

بدیهی است که تنها از سوّمین دیدگاه می‌توان برای تحلیل معنایی-واژگانی همایندها استفاده نمود. زیرا در زبان همایندهای بسیاری وجود دارند که هیچ یک از واژه‌های آن‌ها دچار دگرگونی معنایی نشده است، مانند проливной дождь = باران شدید. در دیدگاه سوّم ثابت بودن عناصر ترکیب از اصلی‌ترین نشانه‌های یک ترکیب ثابت به‌شمار می‌رود. از این رو هنگام ترجمه، ترجمهٔ یکایک واژه‌های همایندها می‌تواند بسیار خطا باشد، زیرا همان‌گونه که در نمونه‌های زیر نشان داده خواهد شد، نباید انتظار داشت که همایندهایی که در زبان‌های مختلف و در اینجا در زبان‌های روسی و فارسی، مفاهیم یکسانی را بیان می‌کنند، ساختار واژگانی یکسانی هم داشته باشند. البته افراط در این راه نیز نادرست است؛ نمونه‌های ما نشان می‌دهند تصوّر این که مفاهیم یکسان هیچ‌گاه نمی‌توانند در زبان‌های مختلف با همایندهای یکسان بیان شوند، تصوّر درستی نیست. جدول‌های شمارهٔ ۵ و ۶ این نکته را بهتر نشان می‌دهند:

Русские коллокации	ترجمهٔ تحت‌اللفظی (<i>Буквальный перевод</i>)	همایند فارسی (<i>Смысловой перевод</i>)
часовой пояс	کمر بند ساعتی	منطقهٔ زمانی
выпить таблетку	قرص نوشیدن	قرص خوردن
здать головомо́йку	سرشوئی دادن	گوشمالی دادن
надевать галстук	کراوات پوشیدن	کراوات زدن

проявлять воспитанность	ادب ظاهر کردن	ادب نگهداشتن
бородка ключа	ریش کلید	دندانۀ کلید
день отдыха	روز استراحت	روز تعطیل
заядлый курильщик	سیگاری دوآتیشه	سیگاری قهار
слабый чай	چای ضعیف	چای کم‌رنگ
допускать грубость	مجاز ساختن خشونت	خشونت کردن

جدول شماره ۵: همایندهای ناهمگون

Русские коллокации	همایند فارسی
аварийная посадка	فرود اضطراری
атмосféра доvéрия	جوّ اعتماد
валю́тные опера́ции	معاملات ارزی
вре́мя се́ва	فصل کشت
домáшний учи́тель	معلم سرخانه
ежего́дная се́ссия	اجلاس سالانه
жё́сткий челове́к	آدم سرسخت
лёгкое землетрясе́ние	زمین‌لرزه خفیف
права́ челове́ка	حقوق بشر
щипко́вые инструме́нты	سازهای زهی

جدول شماره ۶: همایندهای همگون روسی و فارسی

با تکیه بر ملاک‌های شناخت ترکیب‌های ثابت و نمونه‌های نشان‌داده‌شده در جدول‌های بالا به نتیجه زیر می‌رسیم:

نتیجه (۴): تحلیل جنبه‌ و اژگانی - معنایی همایندهای روسی و برابر نهاد فارسی آن‌ها به روشنی نشان می‌دهد که به‌گونه‌ای دقیق می‌توان آن‌ها را به دو گروه تقسیم نمود: گروهی که میان واژه‌های آن‌ها تناظر یک‌به‌یک وجود دارد و گروهی که در واژه‌های

سازنده‌شان تفاوت دیده می‌شود. ما گروه اول را «همایندهای همگون» و گروه دوم را «همایندهای ناهمگون» نامیدیم.

برای مثال، همایندهایی مانند атмосфера доверия = جو اعتماد، экономическая блокада = محاصره اقتصادی که در آن‌ها هر عنصر واژگانی معادل دقیقی در همایند زبان دیگر دارد، همایندهای همگون دانسته می‌شوند. اما همایندهایی مانند анатомический театр = سالن تشریح = نشانی فرستنده همایندهای ناهمگون به‌شمار می‌روند، زیرا در اولی «سالن» و «تئاتر» و در دومی «فرستنده» و «بازگشتی» که واژه‌هایی با معناهای متفاوت‌اند، به یک معنا به‌کار رفته‌اند.

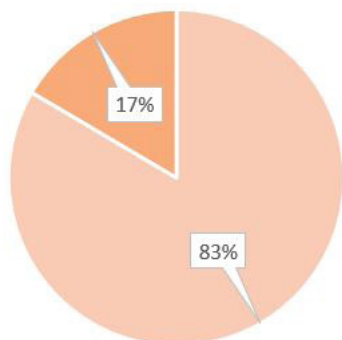
حال باید ببینیم در میان همایندهای همگون و ناهمگون روسی و فارسی چه تناسبی برقرار است. زیرا چنانچه بیشترین همایندهای متناظر این دو زبان همگون باشند، در آموزش با مشکل چندانی روبه‌رو نخواهیم بود. اما اگر این تناسب برعکس باشد، آنگاه لزوم تخصیص زمان و توجه بیشتر به آموزش هماینها ثابت خواهد شد.

می‌دانیم که معنای همایند در سطح نحوی-ارتباطی ساخته می‌شود (باریسووا، ۲۰). این بدان معنا است که دو عضو همایند بر پایه قواعد نحوی همنشین یکدیگر می‌شوند. از سوی دیگر در زبان قاعده خاصی برای کنار هم نشان دادن واژه‌های گوناگون وجود ندارد؛ آنچه باعث شکل‌گیری همایند می‌شود، نیاز ارتباطی است که در بستر فرهنگ هر جامعه زبانی و در چهارچوب قواعد نحوی ترکیب واژه‌ها بدان پاسخ داده می‌شود.

در اینجا ضروری است به تعریفی که برای هماینها بدان ارجحیت دادیم، باز گردیم: «هماینها ترکیب‌های ثابت با ویژگی اصطلاحی اندک هستند که عمدتاً ساخت ترکیب واژگانی داشته و در آن‌ها عنصر معنایی اصلی (پایه) در معنای مستقیم خود به‌کار می‌رود، اما ترکیب با عنصر کمکی (همایندساز = КОЛЛОКАТОР) هرچند می‌تواند از میان واژه‌هایی با معانی مختلف صورت پذیرد، با این حال انتخاب یک واژه خاص در یک همایند را کاربرد زبانی مشخص می‌سازد» (بارانوف، دابراوولسکی ۷۳). در همایندهای گردآوری شده در پیکره ما عنصر آزاد یک اسم یا یک صفت است که حضور عنصر دوم (باز یک اسم یا صفت) را تعیین می‌کند. این که کدام اسم یا صفت می‌تواند برای بیان یک مفهوم خاص در کنار عنصر اصلی بنشیند و یک همایند بسازد، در چهارچوب فرهنگ و قواعد نحوی تعیین می‌شود و از آنجا که به‌رغم شباهت‌های فراوان در میان جوامع گوناگون انسانی، هر جامعه تجربه‌ها و پیشینه تاریخی خود را دارد، تفاوت در باهم‌آیی

واژه‌ها که به شکل‌گیری همایندی می‌انجامد، نیز پدیده‌ای طبیعی است. در نگاه اجتماعی - فرهنگی به زبان این تفاوت‌ها به‌خوبی بررسی و نشان داده می‌شوند. همان‌گونه که هنری داگلاس براون، کارشناس برجسته آموزش زبان‌های خارجی، درباره اهمیت نگاه اجتماعی - فرهنگی به زبان، جایگاه این نگرش در آغاز هزاره نوب میلادی و نقش اندیشمندان روس در این ارتباط می‌نویسد: «پرچمدار ساختارگرایی اجتماعی ویگوتسکی است که به دفاع از این نگرش پرداخت که "تفکر و معناسازی در کودکان روندی است که در اجتماع ساخته می‌شود و از دل هم‌کنشی با محیط اطراف بیرون می‌آید"» (براون ۱۳).
همو در ادامه می‌گوید: «موضع بسیار نزدیک به ساختارگرایی اجتماعی ویگوتسکی از آن میخائیل باختین، نظریه‌پرداز ادبی روس است که اکنون توجه پژوهشگران و آموزشگران در حوزه فراگیری زبان دوم (SLA) را به خود جلب نموده است. باختین بر این باور بود که "زبان در بافت اجتماعی و فرهنگی غوطه‌ور بوده و نقش اصلی آن کارکرد به‌عنوان ابزار ارتباط است". نخستین سال‌های هزاره نو در چنین بستری نشان‌دهنده افزایش تأکید بر جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی فراگیری زبان دوم بوده است» (همان ۱۴).
در تقسیم‌بندی همایندی‌های روسی و فارسی از دیدگاه معنایی نیز تناسب کمی ویژه‌ای پدیدار می‌شود. در جفت همایندی‌های روسی و فارسی، همایندی‌های ناهمگون، چه در میان همایندی‌های اضافی و چه در میان همایندی‌های وصفی، از نظر کمی برتری دارند. در پیکره ما همایندی‌های ناهمگون روسی و فارسی ۳۲۸ عدداند، حال آنکه همایندی‌های همگون ۶۵ عدد هستند.

تناسب به‌دست‌آمده در نمودار زیر بهتر نشان داده می‌شود:



همایندی‌های همگون همایندی‌های ناهمگون

نمودار ۳: همایندی‌های ناهمگون و همگون = ۳۹۳

بدین ترتیب مشخص می‌گردد که همایندهای ناهمگون که هم در یادگیری و هم در کاربرد دشواری بیشتری به وجود می‌آورند، درصد بالاتری را در جفت همایندهای روسی و فارسی تشکیل می‌دهند. این نکته ضرورت تخصیص بخشی جدا و مستقل به آموزش هماینها در برنامه‌های آموزش زبان روسی را مستدل می‌سازد.

نتیجه‌گیری

هماینها بخش بزرگی از واژگان زبان را شکل می‌دهند که نقش آن‌ها در ارتباط کامل زبانی انکارناپذیر است. نشان داده شد که در شکل‌گیری هماینها در هر دو زبان روسی و فارسی ساخت‌های مشابهی به کار می‌روند. با این حال تناسب یافت‌شده در دو گروه ساختاری همایندهای روسی و فارسی (برتری کمی همایندهای وصفی بر همایندهای اضافی در همایندهای روسی و تناسب عکس آن در همایندهای فارسی) و نیز تناسب یافت‌شده در دو گروه واژگانی - معنایی همایندهای یادشده (برتری کمی همایندهای ناهمگون بر همایندهای همگون در جفت همایندهای روسی و فارسی) که نشان از تفاوت بزرگی در ساخت نحوی و ساخت واژگانی همایندهای روسی و فارسی دارد، می‌بایست در آموزش این مقوله زبانی به گونه‌ای جدی مورد توجه و استفاده قرار گیرد. این توجه باید به ایجاد سه توانش زیر در زبان‌آموزان معطوف گردد:

۱. توانش تشخیص هماینها (ترکیب‌های ثابت)،
۲. توانش درک همگون یا ناهمگون بودن همایند یافت‌شده با همایند معادل آن در فارسی،
۳. توانش تغییر ساخت همایند (اضافی به وصفی در ترجمه از فارسی به روسی و وصفی به اضافی در ترجمه از روسی به فارسی)، آنجا که این تغییر لازم است.

An Analysis of Genitive and Attributive Collocations in Russian and Persian Languages in Order to Determine the Necessity of Teaching Them

Mohsen Shojaee¹, Bahram Mehrabian²

Abstract

Introduction : *In the present paper collocations are introduced and their significance in teaching foreign languages is discussed. During the last decades there has been a growing attention to word combination and its significance in teaching foreign languages. Word combinations, of course, include free word combinations, fixed word combinations and even idioms. But collocations are different from all other forms of word combinations. In spite of this fact collocations are mostly ignored in the text books of Russian language in Iran.*

Background of the Study: *In Russia word combinations in Russian language were in the center of attention from 19th century. But the first famous linguist who determined so called “complex word combinations” was Filip Fortunatov. He used this term to differ this kind of word combinations from complex words. But the word “collocations” for the first time was introduced in A Dictionary of Linguistic terms by O. Akhmanova in 1966. Then collocations were fully discussed in a small, but comprehensive book by E. Borisova in 1995. From then Borisova’s book has been the main source in all discussions about collocations. In Iran M. Bateni was the first linguist who tried to describe the meaning and function of collocations in Persian language. After several decades also by him the first dictionary of English and Persian collocations was written. In their article*

1. Assistant Professor of Islamic Azad University. North Tehran Branch. (Corresponding author.)

2. Department of Russian Language. Faculty of Foreign Languages. IAU. North Tehran Branch. Tehran- Iran.

Valipour and Rahbari discussed the verbal Russian collocations. They demonstrated that in Iran not much effort has been made to study collocations in order to use them in teaching Russian language.

Methodology : *In this corpus-based study the syntactic and lexical-semantic patterns were used to determine syntactic structures used in Russian attributive and genitive collocations and in their Persian equivalents. The research carried on by using a corpus containing approximately 400 Russian collocations, which have either attributive (Adj. + N.) or genitive (N. + N.) structures. Some famous and common classifications of collocations are analyzed. As the result of the analysis the classification, in which collocations are classified from the syntactic point of view into two groups a) verbal collocations and b) nominal (attributive and genitive) collocations, is proposed as the more proper one in teaching foreign languages. The main question of the research is that how much synonymous Persian and Russian collocations coincide and in which degree it is necessary to include collocations into the programs of teaching Russian to Iranian students. The structural (syntactic) and lexical-semantic features of collocations are discussed and it is demonstrated that from both structure and lexical-semantic points of view which correlation is there between Russian and Persian collocations. The obtained correlation shows that while attributive collocations dominate in Russian collocations, but their Persian equivalents mainly have genitive structure. On the other hand, lexical-semantic analysis proved that there is a little concordance between Russian and Persian collocations. The amount of non-concord pairs of Russian and Persian collocations was highly more than concord ones.*

Conclusion : *The practical conclusion of the article is showing ne-*

cessity of including the collocations as a separate subject in Russian language curriculum. The authors also proposed that the subject should lead to develop 3 following skills among students: 1) the skill of recognizing collocations (fixed word combinations); 2) the skill of recognizing the agreement (concordance) or disagreement (non-concordance) of Russian collocations with their Persian equivalents: 3) the skill of changing the structure of collocations (from genitive to attributive, while translating from Persian into Russian and from attributive to genitive, while translating from Russian into Persian), where this is necessary.

Keywords: *Russian collocations, Persian collocations, Attributive collocations, Genitive collocations, Teaching Russian as a foreign language.*

پی نوشتها

1. Fortunatov, F. F. (Фортунатов, Ф. Ф.)
2. Complex words (слитные слова)
3. Complex word combination (слитное речение)
4. Phraseology (фразеология)
5. Vinogradov, V. V. (Виногародов, В. В.)
6. Phraseological concretion (фразеологическое сращение)
7. Motivation (мотивация)
8. Phraseological unity (фразеологическое единство)
9. Phraseological phrase (фразеологическое выражение)
10. Phraseological collocation (фразеологическое сочетание)
11. Akhmanova, O. S. (Ахманова, О. С.)
12. Collocation (коллокация)
13. Borisova, E. G. (Борисова, Е. Г.)
14. Fixed word combination (устойчивый словесный комплекс)

15. Fixed combination (устойчивое сочетание)
16. Stereotype (клише)
17. Ter-Minasova, S. G (Тер-Минасова, С. Г.)
18. Mel'chuk, I. A. (Мельчук, И. А.)
19. Iordanskaya, L. N. (Иорданская, Л. Н.)
20. Phraseology-dependent meaning (фразеологически обусловленное значение)
21. Baranov, A. N. (Баранов, А. Н.)
22. Dobrovol'skiy, D. O. (Добровольский Д. О.)
23. Collocator (коллокатор)
24. Typological classification (типологическая классификация)
25. Nominal word combination (именное словосочетание)
26. Genitive word combination (генитивное словосочетание)
27. Attributive word combination (адъективное словосочетание)
28. Zhukov, V. P. (Жуков, В. П.)
29. Molotkov, A. I. (Молотков, А. И.)
30. Arkhangel'skiy, V. L. (Архангельский, В. Л.)
31. Shanskiy, N. M. (Шанский, Н. М.)
32. Isomorphism (изоморфизм)
33. Concord collocations (согласованные коллокации)
34. Non concord collocations (несогласованные коллокации)
35. Douglas Brown. Н.
36. Vygotskiy, L. S. (Выготский, Л. С.)
37. Bakhtin, M. M. (Бахтин, М. М.)
38. Skill (умение)

References

- Akhmanova, O. S. A Dictionary of Linguistic Terms. Moscow: Soviet encyclopedia, 1966.
- Akhmanova, O. S. Drazdauskas, A. A., Drazdauskene, L. A., and others. Syn-

- tax as a Dialectic Unit in Colligating and Collocations. Moscow: Moscow University Publication, 1969.
- Arkhangel'ski, V. L. The Fixed Phrases in Contemporary Russian Language. Rořtov-on-Don: RHU, 1964.
 - Arutounova, N. D. The Sentence and its Meaning: Logical-Semantic Problems. Moscow: Science, AN USSR Int. Linguistic, 1976.
 - Balgina, N. S, Rozental, D. E., Fomina, M. I. The Contemporary Russian Language. Moscow: Golos, 2006.
 - Baranov, A. N., Dobrovolski D. O. The Aspects of the Theory of Phraseology. Moscow: Cultures of Slavic Languages, 2013.
 - Bateni, M. A Description of Persian Grammatical Structure. Tehran: Amir Kabir Publication, 1969 [1998].
 - Bateni, M., Razavi, S. and Others. Puya Dictionary of Collocations. Tehran: Farhang-e Moaser, 2009.
 - Bialek, E. Collocations as Units of Translation. Cuadernos de Rusística Española. 1 (2004) 223-131.
 - Borisova, E. G. Collocations. What are They and How to Study Them. Moscow: Philology, 1995.
 - Brown, H. Douglas. Principles of Language Learning and Teaching. New York: Pearson Education, 2007.
 - Chernishyova, I. I. Phraseology of Contemporary German Language. Moscow; Vysshaya Shkola, 1972.
 - Denisov, P. N., Morkovkin, V. V. A Dictionary of Compatibility of Words in Russian Language. Moscow: Artel. Ařt, 2002.
 - Fortunatov, F. F. The Selected Writings. Moscow: Ministry of Education RS-FSR, 1956.
 - Hennis, Z. S. Co-occurrence and Transformation in Linguistic Structure. New in Linguistic. Moscow: 2 (1962) 528-636.
 - Iordanskaya, L. N., Melchuk, I. A. The Meaning and Compatibility in Word.

- Moscow: Cultures of Slavic Languages, 2007.
- Ivannikova, E. A. On the Main Sign of Phraseological Units. The Problems of Phraseology. Materials and Researches. Moscow- Leningrad: Science, 1964.
 - Khazaeifar, A. Collocations. Motarjem Scientific- Cultural Quarterly, 2nd. Y. 6 (1992) 19-25.
 - Korshunova, A. V. The Concept of “Occasional Collocation” and its Features. Language, Communication, Culture. Moscow: Pushkin, 2018.
 - Kunin, A. V. English Phraseology. Moscow: Vysshaya Shkola, 1970.
 - Mel’chuk, I. A. An Experience in the Theory of Linguistic Models Meaning – Text. Moscow: School of Russian Culture Languages, 1999.
 - Mollanazar, H. The Role of Collocation in Translation, (Unpublished M. A. Thesis), Tehran: Tarbiat Modarres University, 1990.
 - Molotkov, A. I. Fixed Word Combinations in Russian Language and the Principles of their Lexicographic Description. The Phraseological Dictionary of Russian Language. Moscow: Soviet encyclopedia, 1967.
 - Panahi, S. The Process of Collocating and Collocations in Persian Language. Nameh Farhangestan, 5th. Y. 3 (2002) 199-211.
 - Rahbari, M., Valipour, A. A Comparative Study of the Methods for Translating Russian Verbal-Nominal Fixed Word Combinations in Teaching Russian as a Foreign Language to Iranian Students. Vestnik YOUrHU. Linguistic Series, 11(1) (2013) 40-44.
 - Shansky, N. M. Lexicology of Contemporary Russian Language. Moscow: Education, 1972.
 - Shodjaei M. Some Features of Teaching Russian-Persian Translation. Didactics of Translation: The Materials of the Scientific Conference. Moscow, 21 May 2010, Pushkin Institute of Russian Language, 2010.
 - Shodjaei, M. Teaching Translation from Russian for Iranian Students: Eight Practical Rules. The Worlds of Literary Translation. IV International Congress of Literary Translators. Moscow, 8-10 September 2016. Moscow: (2018) 373-

378.

- Shodjaei, M. Translating Collocations in the Literary Texts: Actual Problems (On the Basis of Collocations in the Play “Gull” by A. P. Chekhov). Collection of Lectures of the Members of V International Congress of Literary Translators. Moscow: Translation Institute, (2020) 327-330.
- Teliya, V. N. A Linguistic Phraseological Dictionary. Moscow: Soviet encyclopedia, 1990.
- Ter-Minasova, S. G. Language and Intercultural Communication: A Text Book. Moscow: Slovo, 2000.
- Ubin, I. I. Dictionary of Russian and English Intensifiers. Moscow: Russian language, 1987.
- Valipour, A., Rahbari, M. A Study of Verbal-Nominal Collocations in Russian Language in Comparison with Persian Language. Linguistic Research in Foreign Languages, 3(2) (2013) 187-200.
- Vinogradov, V. V. Russian Language. The Grammatical Doctrine about Word. Moscow: Vysshaya Shkola, 1972.
- Vlavatskaya, M. V. Computational Dictionary as the Means of Teaching Syntagmatic Relations in Words. The Materials of Intercollegiate Scientific- Methodic Conference “Foreign Languages in Higher Schools: Reality and Future”. Novosibirsk: NGAVT Publication, 2005.
- Vlavatskaya, M. V. Typology of Collocations in Combinatorial Linguistics. The World of Science, Culture, Education. 4 (2019) 439-442.
- Zhukov, V. P. Interrelation of Phraseological Units and their Components with the Words Used in Free Usage. Scientific Lectures in The Higher School. Philological Sciences, 3 (1962) 82-93.
- Zhukov, V. P. On the Immeasurability of the Components of Compound Word with Simple Word. Russian Language in School. 3 (1969) 97-104.